

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و پنجم، زمستان ۱۴۰۳: ۴۵-۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

## بررسی و تحلیل بازنمود طالع‌های سعد نجوم احکامی

### در اشعار انوری، نظامی و مسعود سعد سلمان

رحمان زارع\*

محمدحسین کرمی\*\*

#### چکیده

توجه گسترده پیشینیان به افلاک و حوادث فلکی موجب باور به تأثیر افلاک در زندگی انسان‌ها شد و این امر تا جایی پیش رفت که تمام شئونات زندگی، مانند سرنوشت انسان‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، خوشبختی و بدبختی، ترسالی و خشک‌سالی و... را در برگرفت و موجب پدید آمدن مباحث گسترده‌ای چون سعد و نحس نجوم، طالع‌بینی‌ها و اختیارات نجومی شد. این باور عمومی به‌ویژه پس از نیمه‌های سده پنجم هجری بسیار مورد توجه شاعران ایرانی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که تفسیر بسیاری از ابیات شاعران بزرگ این دوران، بدون آگاهی کافی از دانش نجوم، باورها و احکام نجومی ناممکن است. در این پژوهش طالع‌های سعد در اشعار انوری، نظامی و مسعود سعد سلمان که هر سه از حکیمان آگاه به نجوم بوده‌اند، بررسی شده است. در نتیجه این پژوهش، ۴۷ طالع سعد از اشعار این شاعران استخراج شده و با مراجعه به آثار معتبر و کهن نجومی، علت سعد خوانده شدن آنها توضیح داده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** نجوم احکامی، تصاویر نجومی، طالع‌بینی، نجوم در شعر

فارسی و سعد و نحس.

\* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، ایران rahman.zare7@gmail.com

Mohamadhkarami@gmail.com

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، ایران



## مقدمه

یکی از پرکاربردترین واژه‌های نجومی در اشعار فارسی، واژه طالع است. امروز طالع را در معنی بخت و اقبال به کار می‌برند؛ اما طالع در آثار نجومی، چنین معنی شده است: «برآینده، طلوع‌کننده، اختر طالع، برج طالع، درجه طالع و نیز جزوی است از منطقه البروج که در وقت مفروض در افق شرقی باشد. اگر آن وقت، زمان ولادت شخصی بود، آن را طالع مولود یا طالع آن شخص گویند. و اگر در اول سال شمسی باشد، آن را طالع آن سال گویند و درجه آن را درجه طالع. طالع، مشهورترین واژه نجوم احکامی است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۴۸۶-۴۸۷). همچنین ابوریحان بیرونی درباره طالع می‌گوید: «طالع آن بود که اندر وقت به افق مشرق آمده باشد از منطقه البروج. برج را طالع و درجه را درجه طالع [گویند.]» (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲۰۵).

در نجوم احکامی، برای انجام هر کاری، مراجعه به طالع و انتخاب و اختیار زمان مناسب، سفارش شده است. بر همین اساس است که شاعران فارسی، زبان به طالع و سعد و نحس‌های نجومی بسیار پرداخته‌اند و بسامد تعبیهایی چون طالع، طالع‌بین، طالع‌بینی، طالع سعد، طالع نحس، اختر بخت، وبال اختر، نیک اختر و اصطلاحات نجومی بسیاری که بیانگر حالت طالع است، در شعر فارسی بسیار فراوان و چشمگیر است. این امر موجب شده است تا درک و تفسیر بسیاری از اشعار فارسی نیازمند دانستن نجوم احکامی باشد.

## پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت اعتقاد به تأثیر نجوم و فلک در اعمال زمینی و زندگی انسان‌ها، بسیاری از حکیمان و دانشمندان و گاه روحانیان ادیان مختلف به آن توجه کرده و کتاب‌هایی نیز به عربی و فارسی درباره آن نوشته‌اند. «احکام‌الاعوام» ابومعشر بلخی، «رسالة شرح ثمره بطلمیوس در احکام نجوم» از خواجه نصیرالدین طوسی و «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی از آن جمله‌اند. همچنین کاربرد فراوان تصاویر و مفاهیم نجومی در اشعار فارسی که نشان‌دهنده توجه فراوان شاعران به این موضوع

است، موجب شده است که ادیبان و ناقدان ادبی از زوایای گوناگونی به بررسی نجوم در شعر فارسی بپردازند. از جمله:

مصفی (۱۳۸۱)، «فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی» را نگاشته است. این فرهنگ، اثری کاربردی است که در آن نویسنده کوشیده تا آنجا که میسر بوده، اصطلاحات نجومی و تقویمی را که در ادبیات فارسی به کار رفته است، همراه با واژه‌ها و استعارات و تعابیر مربوط به آنها در شعر فارسی گردآوری کند. ماهیار (۱۳۹۳) در «نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی» -همان‌طور که از نام آن پیداست- به معرفی نجوم قدیم و بازتاب آن در شعر پارسی پرداخته است.

الهامی (۱۳۸۸) با بررسی نجوم احکامی در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت‌پیکر نظامی بیان کرده که نظامی، اطلاعات و آگاهی وسیعی از دانش نجوم داشته و از آن به عنوان ابزاری در آفرینش کلام ادبی و صورت‌های خیال‌انگیز شاعرانه بهره برده است.

صرفی و افاضل (۱۳۸۹) به بررسی بازتاب باورهای نجومی در خمسهٔ خواجوی کرمانی پرداخته‌اند. در این مقاله ابتدا علم احکام نجوم و باورهای شکل‌گرفته درباره آن بررسی شده و سپس نویسندگان به تحلیل ابیات جمع‌آوری‌شده پرداخته‌اند.

هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌گرفته به صورت اختصاصی به معرفی طالع‌های سعد و نحس نجوم احکامی در اشعار فارسی نپرداخته و علت سعد یا نحس معرفی شدن طالع‌های نجوم احکامی را توضیح نداده‌اند.

## روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیف و تحلیل محتواست. ابتدا با مطالعهٔ اشعار مسعود سعد، انوری و نظامی، ابیات مرتبط با موضوع گردآوری شده و پس از دسته‌بندی، بررسی، تحلیل و شرح شده است.

## طالع‌های سعد نجومی در اشعار نظامی، انوری و مسعود سعد

سعد بودن ستاره یا طالع، گاه به سبب اعتقاد به سعد بودن برخی ستاره‌ها و گاه به سبب طلوع یا حضور یک ستاره در جایگاهی خاص از منطقه البروج بوده و گاه از

همنشینی و همزمانی دو یا چند ستاره پدید می‌آمده است. شهردان ابن ابی‌الخیر دربارهٔ سعد و نحس نجوم می‌گوید: «منجمان متفقند که زحل، نحس بزرگ است و مشتری، سعد بزرگ و مریخ، نحس کوچک و زهره، سعد خرد و شمس، سعد از دوستی و نحس از دشمنی و قمر به ذات خویش، سعد است، لکن از جهت نهاد او و پیوستن ستارگان بگردش و عطارد با سعد، سعد و با نحس، نحس و پذیرندهٔ طبع‌هاست و چون تنها بوز به سعادت گراید» (شهردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). او در ادامهٔ این سخنان به نکتهٔ مهمی اشاره کرده، می‌گوید: «آنچه گفتیم، سخنی مطلق است و بر این اعتماد و اعتبار نشاید کردن؛ چه زحل که نحس بزرگ است، چون جایگاهی بوز موافق او و آنجا حظی دارد نحوست او بشود و سعادت دهد که از آن بهتر نبوذ. و مشتری که سعد بزرگ است، چون ساقط بوز و جایگاهی بوز بذ و ناموافق، او بدبختی و قطع آورد. چه این ناموافقی او را از طبع خویش و سعادت داذن باز می‌دارد و هر چند بر این جمله باشد، زحل را سعد نگویند و مشتری را نحس، لکن گویند زحل بر طبع سعد است و مشتری بر طبع نحس» (همان).

با توجه به این سخنان، در شناختن طالع‌های سعد و نحس نجوم، جایگاهی که ستاره در آن قرار دارد، بسیار مهم است و طبع ستاره و جایگاه آن است که در تعیین طالع مؤثر است. در ادامه، طالع‌های سعد نجوم را در اشعار نظامی، مسعود سعد و انوری با توجه به طبع ستارگان و جایگاه ایشان در منطقه البروج و ارتباط ستارگان با یکدیگر بررسی می‌کنیم.

#### ۱- طالع جوزا

پیشینیان بر این باور بودند که «هر کس به طالع جوزا متولد شود، صاحب دولت و عقل و بخت است و رسم شاهان قدیم بوده که بخت فرزندان خود را از جوزا انتخاب می‌کردند؛ بدین‌گونه که خرمنی جوز مهیا کرده و هر یک از آنان جوزی برداشته و می‌شکست. اگر مغز داشت، خوشبخت بود و او را ولیعهد می‌ساختند. [این بیت] یعنی از طالع جوزا به خوشبختی بر آی و آنگاه جوز بشکن، کنایه از اینکه با دولتیان همدم شو تا دولتمند گردی» (نظامی، مخزن‌الاسرار، ۱۳۸۳: ۱۳۱). پس داشتن طالع جوزا، مبارک و فرخنده بوده است.

بخت ور از طالع جوزا بر آید جوز شکن آنگه و بخت آزمای  
(شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

## ۲- ذنبِ مریخ

مریخ، نحس اصغر است و «عقدۀ ذنب، یکی از دو نقطۀ تقاطع فلک حامل و فلک مایل قمر است و آن را به فارسی جوزهر دم می‌گویند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۰۴).

زکال از دود خصمش عود گردد که مریخ از ذنب مسعود گردد  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۲۷)

نظامی می‌گوید: زغالی که بی‌ارزش و زشت است، هنگامی که دشمن را می‌سوزاند، برای دوستان چون عودی گرانبها و خوشبو می‌شود و برای اثبات ادعای خویش، تمثیل مصراع دوم را می‌آورد و می‌گوید: مریخ که نحس است هنگامی که در ذنب که خود زشت و نازیبا و نحس است، قرار می‌گیرد، خوش‌یمن و مبارک می‌شود.

## ۳- ماه در ثریا و قمر در برج آبی

عروسی دید چون ماهی مهیا که باشد جای آن مه بر ثریا  
فشاند از دیده باران سحابی که طالع شد قمر در برج آبی  
(همان: ۷۳)

نظامی ابتدا جایگاه شایستهٔ چنین ماهی را ستارگان ثریا بیان می‌کند و سپس می‌گوید: شیرین چون ماهی از برج آبی چشمه‌سار طالع گردید و دیدهٔ خسرو از شوق و شگفتی دیدار او بارید. با توجه به اینکه «طلوع قمر از برج آبی نزد منجمان قدیم، دلیل نزول باران است» (همان: ۷۳) و باران، نشانهٔ برکت و فراوانی است، پس طلوع قمر در برج آبی که در اینجا برای دیدار دو عاشق و گریهٔ خسرو بیان شده است، فرخنده و مبارک است.

دوازده برج را با توجه به ارکان چهارگانهٔ آب و باد و آتش و خاک، به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: برج‌های آبی، برج دارای مزاج سرد و تر؛ برج‌های آتشی، برج دارای مزاج گرم و خشک؛ برج‌های بادی، برج دارای مزاج گرم و تر و برج‌های خاکی، برج دارای مزاج سرد و خشک (اکبری و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۷).

## ۴- ماه در برج ماهی

چو سر بر کرد ماه از برج ماهی مه پرویز شد در برج شاهی  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

نظامی بیان می‌کند: وقتی ماه از برج ماهی طلوع کرد، خسرو بر تخت شاهی نشست. بر تخت نشستن، اتفاق مهمی است و برای چنین امور مهمی، پادشاهان از منجمان درخواست می‌کرده‌اند که زمانی مبارک و میمون را انتخاب کنند. پس طلوع ماه در برج ماهی، فرخنده و میمون است؛ زیرا ماه خود به ذات خویش سعد است و حوت از برج‌های آبی است که دلالت بر سعادت دارند.

##### ۵- تثلیث زهره در برج ثور

تثلیث، «قرار گرفتن ماه است در جایی که فاصله آن تا خورشید یک‌سوم فلک‌البروج، ۱۲۰ درجه می‌باشد... تثلیث از جمله نظرهای کواکب است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۲۷). نظر، «هر یک از پنج حالت سیارات: مقارنه، تسدیس، تربیع، تثلیث، مقابله، نظر یا مشکالۀ نظری گویند... تثلیث و تسدیس، دو نظر مودتند و مسعود، زیرا تحقق آن در دو برج متفق‌الطبیعه روی دهد. نظر تثلیث، نظر تمام دوستی و نظر تسدیس، نیم‌دوستی است و مقابله و تربیع، دو نظر عداوتند و منحوس، مقابله تمام دشمنی و تربیع نیم‌دشمنی است و تحقق این دو نظر در بروج مختلف‌الطبیعه است. مقارنه یا اتصال از تمام این نظرات در تأثیر، قوی‌تر است» (همان: ۷۹۶-۷۹۷).

پس تثلیث زهره در برج ثور بدین معناست که زهره در برج ثور باشد و فاصله ماه تا خورشید، یک‌سوم فلک باشد (ماه در زاویه ۱۲۰ درجه‌ای از خورشید قرار گرفته باشد). این حالت مبارک است و به همین سبب برای زمان تاج‌گذاری و بر تخت نشستن خسرو انتخاب شده است.

ز ثورش زهره وز خرچنگ برجیس سعادت داده از تثلیث و تسدیس (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

##### ۶- تسدیس برجیس در خرچنگ

تسدیس، «قرار گرفتن ماه است در نقطه‌ای که فاصله آن تا خورشید یک‌ششم فلک ۶۰ درجه باشد... و از جمله نظرات کواکب است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۳۵) و نشانه دوستی و مودت. پس وقتی برجیس (مشتري) در برج خرچنگ (سرطان) باشد و فاصله ماه تا خورشید، یک‌ششم فلک باشد، زمانی سعید و میمون است.

#### ۷- تابش خورشید از حمل بر زحل در دلو

حمل، خانه شرف خورشید است و حضور خورشید در حمل مبارک است. دلو هم یکی از دو خانه کیوان است و کیوان در دلو به قوت می‌رسد. تابیدن خورشید از حمل بر زحل در دلو، بیانگر برتری سعادت خورشید بر قوت نحسی زحل است که طالعی خجسته را رقم می‌زند.

ز پرگار حمل خورشید منظور به دلو اندر فکنده بر زحل نور (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

#### ۸- عطارد در جوزا

انوری در برج دو پیکر (جوزا) بودن تیر (عطارد) را نشانه شکوه و سعادت دانسته و گفته است:

نه به فرّ تو در کمان برجیس نه به طبع تو در دو پیکر تیر  
(همان: ۳۷۹)

عطارد، دو خانه دارد: جوزا و سنبله. شرف عطارد در سنبله است. از آنجایی که هر ستاره در خانه خود قوت بیشتری دارد، در جوزا بودن عطارد، نشان بر قوت آن دارد و مبارک است.

عطارد کرده ز اول خط جوزا سوی مریخ شیرافکن تماشا  
(همان: ۱۴۱)

تولد فرزند نیز وقتی عطارد در جوزا باشد، نیکو خوانده شده است. گفته شده که طالع مبارک تولد اسکندر نیز هنگام حلول عطارد در جوزا بوده است.

عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

#### ۹- می در کاس کردن ذنب مریخ را

«رأس و ذنب (سر و دم)، دو نقطه تقاطع فلک حامل و فلک مایل قمر است. این دو نقطه را عقدتین و جوزهرین و عقدۀ راس و ذنب هم گفته‌اند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۱۰). «اندر فلک قمر، دو عقده است بر یکدیگر افتاده برین مثال از تقاطع دو دایره، و هر کوکی را جوزهری حقیقی هست، لکن از جهت آنکه قمر به ما نزدیک‌تر است و خسوف و کسوف

را سبب این است، پس عقدۀ [آن به کار دارند و از این] دو عقده آنکه سوی شمال بود، راس خوانند و آنکه سوی جنوب بود، ذنب [گویند] و شکل بر این مثال است» (شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۵۹). «کاس: الکاس، سرنگون، مجموعه سه ستاره در مشرق و نزدیک صورت غراب» (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۱۵).

پس وقتی مریخ که نحس اصغر است، توسط ذنب که نیکو نیست، در کاس می‌افتد که معنای سرنگونی می‌دهد و همچنین نزدیک صورت غراب است (به بدیمن بودن غراب نیز می‌شود توجه کرد)، طالعی سعد اتفاق افتاده است؛ زیرا مریخ نحس به نحوست رفته و این مبارک است. گویی دشمنی به دست دشمنی دیگر سرنگون شده باشد.

ذنب مریخ را می‌کرده در کاس شده چشم زحل هم کاسه راس (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۲۷)

#### ۱۰- هم کاسه راس شدن چشم زحل

«گفته‌اند که راس، مشتری را سوذ کند و زهره را نه سوذ کند و نه زیان و دیگر ستارگان را زیان کند» (شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). پس راس، زحل را که نحس بزرگ است، زیان می‌رساند و زیان دیدن نحس، مبارک است.

ذنب مریخ را می‌کرده در کاس شده چشم زحل هم کاسه راس (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

#### ۱۱- طالع مشتری

دارد از لطف تو برجیس و ز قهر تو زحل این سعادت مستفاد و آن نحوست (انوری، ۱۳۳۷: ۲۷۹)

بخت و طالع مشتری (برجیس) داشتن، مبارک است؛ زیرا «منجمان متفق‌اند که زحل، نحس بزرگ است و مشتری، سعد بزرگ و مریخ، نحس کوچک و زهره، سعد خرد» (شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱).

سعد اکبر بدان بود برجیس که برد دولت تو را فرمان (مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۸۷۶)

مجنون شبی در فراق لیلی، خطاب به ستاره مشتری می‌گوید:

کای مشتری ای ستاره سعد ای در همه وعده صادق الوعد

ای در نظر تو جان‌فزایی در سکه تو جهان‌گشایی...  
ای بخت مرا بلندی از تو دل را همه زورمندی از تو  
(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

نظامی، مشتری را ستاره سعد و صادق الوعد خوانده و نظر مشتری را موجب جان‌فزایی و جهان‌گشایی می‌داند. او فتح و ظفر را نیز از مشتری دانسته، برقراری نظام عالم و صلاح امور و داشتن بخت و اقبال بلند را از این ستاره می‌داند.

چو آگه شد که شاه مشتری بخت رسانید از زمین بر آسمان تخت  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۵۷)  
گوید تو را زمانه و خواند تو را فلک برجیس با سعادت و خورشید بی‌همال  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۸۲۳)

## ۱۲- عطارد در برج ماه

«و قمر به ذات خویش، سعد است، لکن از جهت نهاد او و پیوستن [با] ستارگان بگرد و عطارد [ممتزج] با سعد، سعد و با نحس، نحس و پذیرنده طبع‌هاست و چون تنها بود به سعادت گراید» (شهمردان ابن ابی الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۶۱). عطارد، ستاره‌ای ممتزج است؛ با ستارگان سعد سعادت می‌یابد و با ستارگان نحس، منحوس می‌شود. پس چون عطارد با ماه که ستاره‌ای سعد است قران کند، سعادت می‌یابد و طالعی مبارک و فرخنده خواهد بود. مرا در بزمگاه شاه بردند عطارد را به برج ماه بردند  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۳۸۱)  
پس نظامی خود را به عطارد و شاه را به ماه مانند کرده است و به دربار شاه رفتن خود را چون به برج ماه رفتن عطارد، نیکو خوانده است.

## ۱۳- طالع زهره

زهره، سعد اصغر است و طالع آن خوش و مبارک خوانده شده است. نظامی، زهره را طالع بخت و دولت و پیروزی می‌داند.  
بر زهره نظر گذاشت اول گفت ای به تو بخت را معول  
ای زهره روشن شبافروز ای طالع دولت از تو پیروز...  
(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۸۳: ۶۴ و ۱۶۵)

#### ۱۴- طالع حوت

«صاحب طالع حوت، نیکو و سخی و پاکیزه و خداوند آرزوهاست... جایگاه فرشتگان و عابدان و هیربدان [است]» (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۱۳-۲۱۴). نظامی، طالع بهرام را در بزرگی و عالم‌افروزی، به حوت منسوب کرده است.

یافتنند از طریق پیروزی در بزرگی و عالم‌افروزی  
طالعش حوت و مشتری در حوت زهره با او چو لعل با یاقوت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

#### ۱۵- مشتری در حوت

هم مشتری، ستاره سعد است و هم برج حوت دارای طالعی نکوست. پس حضور مشتری در برج حوت نیز طالعی مبارک پدید می‌آورد.  
طالعش حوت و مشتری در حوت زهره با او چو لعل با یاقوت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

#### ۱۶- زهره با حوت

«زهره، سعد اصغر است و حوت، برجی مبارک. شرف زهره در حوت است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۲). نظامی، طلوع زهره در برج حوت را مانند هم‌نشینی لعل و یاقوت خوانده است.

طالعش حوت و مشتری در حوت زهره با او چو لعل با یاقوت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۵۶)

#### ۱۷- ماه در ثور

ماه در ثور و تیر در جوزا اوج مریخ در اسد پیدا  
(همان: ۵۶)

برج ثور، خانه شرف ماه است و شرف هر ستاره‌ای، طالعی نیکو و مبارک دانسته می‌شود. همچنین نظامی در ثور بودن ماه را هم‌شان در جوزا بودن تیر معرفی کرده است. جوزا، یکی از دو خانه تیر است و در خانه بودن ستاره، موجب قوت و در نتیجه سعادت طالع آن می‌شود.

عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

نظامی خود در ارجمند بودن ماه در برج ثور گفته است:

پیش آن گاو رفت چون مه بدر      ماه در برج گاو یابد قدر  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۱۱۳)

#### ۱۸- رو کردن ذنب به زحل

ذنب آورده روی در زحلش      و آفتاب اوفتاده در حملش  
(همان: ۵۶)

مجاوده ذنب با کواکب نحس، سعد است و با کواکب سعد، نحس. در این بیت، ذنب با زحل خود که از او شرف می‌گیرد، روبه‌رو شده و آفتاب در برج حمل خود که خانه شرف اوست، جای گرفته است.

#### ۱۹- آفتاب در حمل

حمل، خانه شرف شمس است و رفتن آفتاب را از حوت به حمل، آغاز نوروز گرفته و پر سعادت خوانده‌اند (رازی، بی‌تا: ۱۷۳). نظامی، تولد اسکندر که آن را فالی نیکو خوانده نیز هنگام شرف یافتن آفتاب در برج حمل بیان کرده است.  
شرف یافته آفتاب از حمل      گراینده از علم سوی عمل  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

مسعود درباره شرافت حلول آفتاب در حمل می‌گوید:

جمال یافت خرد زو چو تن ز لطف روان      شرف گرفت هنر زو چو خور ز برج حمل  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۵۶۱)

#### ۲۰- طالع اسد

اسدی بود کرده طالع تخت      طالعی پایدار و ثابت و سخت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

طالع برج اسد، مبارک است و برای بر تخت نشستن پادشاهان اختیار می‌شده است. (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۷۸). در بیت بالا می‌بینیم که ستاره‌شناسان، طالع بر تخت نشستن بهرام را اسدی پیش‌بینی کرده بودند که نظامی آن را طالعی پایدار و ثابت و سخت خوانده است. این صفات، خود نشان از مبارکی طالع اسد دارد. تولد اسکندر نیز در طالع اسد اتفاق افتاده است که خداوند زور و شجاعت و نشان چیرگی بر دشمنان است. به همین سبب نظامی آن را کورکننده دیده دشمنان خوانده است.

اسد بود طالع خداوند زور کزو دیده دشمنان گشت کور  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

## ۲۱- قران آفتاب و عطارد

قران یا اتصال، گرد آمدن دو یا چند ستاره در یک برج است. قران «بین دو کوکب که یکی در مدار بالاتر و دیگری در مدار پایین‌تر است، روی می‌دهد. این دو کوکب چون در یک برج به یک درجه رسند، در نجوم احکامی، آن دو را متصل یا مقترن گویند. قران اگر به طور مطلق باشد، قران یا اجتماع زحل و مشتری است و اگر مقصود قران، دو اختر دیگر باشد، آن اختران به دنبال کلمه قران ذکر می‌شوند. مانند قران مشتری و ماه یا قران مریخ و ماه و غیره» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۰). خورشید سعد از دوستی است و نحس از دشمنی و عطارد، پذیرنده طبع‌هاست؛ با سعد، سعد است و با نحس، نحس. بدین ترتیب مقارنه آفتاب و عطارد، طالعی نیکو و مبارک است و در اوج بودن ستاره بر قوت طالع آن می‌افزاید. در این بیت چون خورشید در اوج قرار دارد، بر دوستی آن افزوده می‌شود. آفتابی در اوج خویش بلند در قران با عطاردش پیوندد  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

## ۲۲- زهره در برج ثور

ثور و میزان، خانه‌های زهره هستند. هر ستاره‌ای در خانه خودش، قوت می‌گیرد و بر تأثیر آن افزوده می‌شود. پس تأثیر سعادت زهره در برج ثور افزایش می‌یابد (مروزی بخاری، بی‌تا: ۱۵۶-۱۵۷). برای تولد اسکندر نیز چنین طالعی قائل شده‌اند. عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

## ۲۳- مشتری در قوس

انوری، شکوه ممدوح را بر فرّ و شکوه در قوس (کمان) بودن مشتری (برجیس) برتری داده است. نه به فرّ تو در کمان برجیس نه به طبع تو در دو پیکر تیر  
(انوری، ۱۳۳۷: ۳۷۹)  
قوس و حوت، دو خانه مشتری هستند. پس مشتری در قوس قوت می‌گیرد و سعادت آن بیشتر می‌شود. نظامی زمان تولد اسکندر را در این طالع فرخنده معرفی کرده است.

بر آراسته قوس را مشتری زحل در ترازو به بازیگری  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

#### ۲۴- ماه در جدی

در دهم ماه و در ششم بهرام مجلس آراسته به تیغ و به جام  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

برج دهم، برج جدی است. از نظر منجمان قدیم، حلول قمر در جدی، آثار متعددی دارد. از جمله: «حلول قمر در جدی دلالت کند بر اندوه عامه و محبوسی مردم و حیرت رسولان و مسافران...، در وقت حلول راس در برج سنبله دلالت کند بر فساد کشت و غلات و افتادن کرم در میوه‌ها و احتراق چیزها و تصرف ملوک در زمین‌های باثر و خراب و آبادان و شهر ساختن و زراعت کردن و عموم خیرات و برکات و سلامتی حبوب و غلات و حدوث سرسام در میان مردم» (مدرسی گیلائی، بی‌تا: ۲۲).

و «اگر مشتری یا زحل دوم واقع شود، مولود مسعود پادشاه بزرگ گردد و بر دشمنان چیره‌دست شود. و نیز هرگاه قمر در جدی، که خانه زحل است، و در نه بهر زحل جای گیرد، دلالت کند که اکثر عالم فرمانبردار...» (علامی، ۱۹۱۳: ۳۶). متأسفانه ادامه متن این نوشتار اکبرنامه موجود نیست، اما از سیاق سخن و همچنین با اتکا به اینکه با عبارت «و نیز»، حلول قمر در جدی را با طالع پیشین که مولود مسعود خوانده و آن را نشان چیره‌دستی پادشاه بر دشمنان دانسته است، می‌توان نتیجه گرفت که علامی، قمر در جدی را دلالت بر فرمان‌برداری دشمنان یا عالمیان از پادشاه می‌دانسته که بیانگر طالعی مسعود است. در این ابیات، نظامی از طالع مبارک در زمان بر تخت نشستن بهرام می‌گوید. پس او نیز قمر در جدی را مبارک در نظر گرفته است و از همین‌روی است که در بیت، ماه مجلس را با باده‌نوشی آراسته است.

از دلایل دیگر سعد بودن حلول قمر در جدی، منازل مبارک قمر در برج جدی است. جدی «از بیست‌وهشت ستاره تشکیل یافته است، دو ستاره نیز خارج از صورت دارد. ستارگان اول و سوم از این برج را سعد ذابح گویند که منزلگاه بیست‌ودوم ماه می‌باشند» (نبئی، ۱۳۶۶: ۴۵).

## ۲۵- زحل در میزان

دست کیوان شده ترازوسنج      سخته از خاک تا به کیوان گنج  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۹۵)

میزان یا ترازو، خانه شرف زحل یا کیوان است. در برج شرف بودن ستاره، مبارک و فرخنده است. در این بیت هم گنج سنجیدن (سختن) کیوان که بیانگر به دست آوردن و شمردن گنج است، نشانه‌ای بر مبارک بودن این طالع است. نظامی در تولد اسکندر نیز به این طالع اشاره کرده است.

بر آراسته قوس را مشتری      زحل در ترازو به بازیگری  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

## ۲۶- طالع ثور

داشت دور زمانه طالع ثور      صاحب زهره، زهره صاحب دور  
در چنان دور غم کجا باشد؟      که در او زهره کدخدا باشد؟  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

«برج ثور در بسیاری از تمدن‌های کهن، نماد قدرت بوده است» (فشنگ‌ساز، ۱۳۹۱: ۲۴). داشتن طالع ثور، مبارک و فرخنده است. درباره حلول زهره در برج ثور باید افزود که «ثور خانه زهره است، پس اگر طالع زمانه ثور و زهره که ستاره مطربان است، در برج ثور و خانه خود باشد، دور، دور شادی است نه غم» (نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

## ۲۷- اجتماع ماه و پروین

بر سریر آی و پیش من بنشین      سازگار است ماه با پروین  
(همان، ۱۵۴)

پروین، شش یا هفت ستاره است که یکی از منازل بیست‌وهشت‌گانه ماه است. «در باورهای بسیار کهن عامیانه، پروین نمودار جمعیت است... و نگرستن به پروین موجب جمعیت خاطر... تصور می‌شده است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۰۴). «در طلوع ثریا به زعم اعراب، باران می‌بارد. بدین علت ثریا نزد ایشان، نشانه فراخی و ارزانی است... و مقارنه ثریا با ماه نزد اعراب، نشانه‌ای از پایان یافتن سردی هوا و زمستان می‌باشد» (همان، ۱۰۲). پس ماه با پروین سازگار است و این سازگاری موجب فرخندگی و خوش‌یمنی است.

## ۲۸- زهره در تسدیس

تسدیس، «قرار گرفتن ماه است در نقطه‌ای که فاصله آن تا خورشید، یک‌ششم فلک (۶۰) درجه باشد... و از جمله نظرات کواکب است (نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۱۳۵) و نشانه نیم‌دوستی و مودت. زهره که سعد اصغر است، وقتی در تسدیس که نشانه نیم‌دوستی است قرار بگیرد، طالعی مبارک روی داده است. نظامی، همنشینی سلیمان نبی و بلقیس را به در تسدیس بودن زهره تشبیه کرده و با نظر به شریف و گرمی بودن ایشان در باور مؤمنان، حضور زهره در تسدیس را مبارک دانسته است.

گفت وقتی چو زهره در تسدیس با سلیمان نشسته بد بلقیس  
(همان: ۱۷۸)

## ۲۹- تثلیث مشتری با زحل

تثلیث، «قرار گرفتن ماه است در جایی که فاصله آن تا خورشید، یک‌سوم فلک، (۱۲۰) درجه می‌باشد. تثلیث از جمله نظرهای کواکب است و نظر تثلیث، تمام‌دوستی است» (مصفی: ۱۳۵۷: ۱۲۷).

چون به تثلیث مشتری و زحل شاه انجم ز حوت شد به حمل  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۲۹۲)

## ۳۰- عطارد در سنبله

جوزا و سنبله، خانه‌های عطارد هستند و شرف عطارد در برج سنبله است.

من که نقاش نیشکر قلمم رطب‌افشان نخل این حرمم  
نی کلکم ز کشتزار هنر به عطارد رساند سنبل تر  
سنبله کرد سنبلم را خاص گرچه القاص لا یحب القاص  
(همان: ۳۲۲)

نظامی در این ابیات با مفاخره به هنر شاعری خویش، قلم خود را با عطارد که منشی و دبیر فلک است، هم‌سطح دانسته و از این جهت ضرب‌المثل «القاص لا یحب القاص» را به کار برده است تا بگوید که عطارد در دبیری و نویسندگی به من حسادت می‌ورزد.

## ۳۱- زهره در میزان

زهره، دو خانه دارد: ثور و میزان. میزان، خانه شرف زهره است و در میزان بودن

زهره، فرخنده و مبارک است.

چو زهره درم در ترازو نهم ولی چون دهم بی ترازو دهم  
(نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۳۶)

نظامی در این بیت، اشعار خویش را به درم تشبیه می‌کند و منظورش از در ترازو نهادن درم، سنجیدن سخن است. او می‌گوید که درم سخن را زهره‌وار در ترازو می‌سنجم، ولی هنگام بخشش، بی‌ترازو و بی‌حد و اندازه سخن می‌بخشم. نظامی در شرفنامه، هنگام بیان نسب اسکندر به طالع تولد او پرداخته و با بیان چندین طالع نجومی مبارک، طالع اسکندر را فرخنده معرفی می‌کند.

اسد بود طالع خداوند زور کزو دیده دشمنان گشت کور  
شرف یافته آفتاب از حمل گراینده از علم سوی عمل...  
برآراسته قوس را مشتری زحل در ترازو به بازیگری  
ششم خانه را کرده بهرام جای چو خدمتگران گشته خدمت نمای  
(همان: ۶۹-۷۰)

طالع تولد اسکندر، اسدی است و هنگام به دنیا آمدن او، آفتاب در حمل، عطارد در جوزا، مشتری در قوس، زحل در میزان، بهرام در سنبله بوده است و ماه و زهره در ثور قران داشته‌اند (همان: ۶۹-۷۰) که تمامی این حالات نیکو و مبارک است.

### ۳۲- بهرام در سنبله

سنبله، خانه فرح بهرام است. خانه فرح، خانه شادی ستاره است. «فرح از قوت‌های کواکب است. و فرح کوكب همان ابتزار کوكب سیار است در برج طالع یا بروج دیگر» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۵۵). ابتزار کوكب، خشنودی کوكب است و «هرگاه حظوظ کوكبی در یک برج فراوان باشد، گویند این کوكب در ابتزار است» (همان: ۱۲). خواجه نصیرالدین در فرح کواکب آورده است:

زهره در پنجمین بود پدرام همچو در خانه ششم بهرام  
(همان: ۵۵۵)

بسیاری از منجمان، طالع سنبله را برای تولد نوزاد، بسیار مبارک می‌دانستند، چنان

که می‌گفتند: «طالع ولادت پیغمبران، سنبله و میزان است و طالع حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله و سلم، میزان بود» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۳۰).

### ۳۳- قران ماه و زهره

ماه به ذات خویش سعد است و زهره نیز سعد اصغر است. پس اتصال این دو، طالعی سعد را رقم می‌زند. قران ماه و زهره را برای آغاز کارها بسیار نیکو دانسته‌اند. گر بود مه مقارن زهره باشد آغاز کارها شهره (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۸)

مسعود سعد نیز قران ماه و زهره را مبارک و شادی‌بخش خوانده است. آری چو ماه و زهره به یکجا قران کنند عیش و نشاط و شادی و لهو اقتضا کنند (مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۲: ۹۶۱)

### ۳۴- قران ماه و زهره در ثور

ثور، خانه زهره است و سعادت زهره در آن قوت می‌گیرد. همچنین خانه شرف ماه است. هم ماه در ثور و هم زهره در ثور، طالعی سعید و مبارک را رقم می‌زنند. عطارد به جوزا برون تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته (شرفنامه، ۱۳۸۳: ۶۹)

### ۳۵- نظرهای مشتری

درباره ستاره مشتری که سعد اکبر است گفته‌اند که نظرهای او از تربیع و تثلیث، همه سعادت است و نحوست ندارد.

چو سیاره مشتری سربلند نظرهای او یک به یک سودمند به تربیع و تثلیث گوهرفشان مربع‌نشین و مثلث‌نشان (نظامی، شرفنامه، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

این ابیات در ستایش اتابک نصرت‌الدین سروده شده و بدین معنی است که او چون ستاره مشتری، بلند مکان و سربلند است و نظرهای تربیع و تثلیث او، گوهرافشان است. نظامی، چهار زانو نشستن سلطان را تربیع او و مثلث (دو زانو) نشانیدن بزرگان و امرا را تثلیث او تعبیر کرده است.

### ۳۶- خورشید در راس

«اگر خورشید در عقده راس و قمر در عقده ذنب باشد و مقابله تمام باشد، خسوف

واقع شود» (شهیدی، ۱۳۷۳، ج: ۶، ۵۱۴).

انوری مقابله ناصرالدین ابوالفتح طاهر را با دشمن، به مقابله خورشید و ماه در راس و ذنب تشبیه کرده است.

خضم اگر لاف تقابل زند از روی حسد      حق شناسد که که بوالقاسم و که بولهب است  
ور مقابل نهمش نیز به یک وجه رواست      تو چو خورشید به راس او چو قمر در ذنب است  
(انوری، ۱۳۳۷: ۵۱)

در این حالت، ماه در عقده زیرین تقاطع فلک حامل و فلک قمر قرار می‌گیرد و سایه زمین بر ماه افتاده و ماه‌گرفتگی اتفاق می‌افتد. او با این تصویر نجومی، پیروزی ممدوح بر دشمن را به تصویر کشیده است.

### ۳۷- آفتاب در جوزا

چرا فروغ نیابد هوای سال امیر      که آفتاب هنر رفت در دو پیکر جود  
(همان: ۱۴۷)

دوپیکر، همان برج جوزاست. گفته شده است که «چون آفتاب در جوزا درآید، بهار، بهار می‌گردد و اثمار بر درختان وجود می‌گیرند و سبب پختگی و شیرینی میوه از آفتاب در جوزاست» (حسینی اشکوری، ۱۳۹۳، ج: ۱۶، ۱۲۳). حلول آفتاب در برج جوزا را مبارک دانسته‌اند. انوری نیز به دوپیکر رفتن آفتاب را سبب فروغ یافتن هوای سال امیر خوانده است که نشان از یمن و سعادت این طالع است.

### ۳۸- مشتری در میزان

بزرگوارا گفتم چو مشتری به رجوع      ز اوج اول میزان شود به خانه تیر  
به عون بخت و به تحویل او به میزان باز      به راستی همه کارت شود چو قامت تیر  
(انوری، ۱۳۳۷: ۲۵۵)

رجوع، «بازگشت سیاره و حرکت طولی آن برخلاف ترتیب بروج است. هر یک از سیارات به‌ویژه خمسة متحیره، گاهی حرکت بر توالی، یعنی مستقیم دارند و گاهی برخلاف آن و گاهی ساکن به نظر می‌رسند. حرکت برخلاف توالی آنها را رجوع یا تراجع یا تدویر گفته‌اند و کوكب در این حالت، راجع لقب دارد و این اختلاف در حرکات، نتیجه تصور در حرکت توالی (گردش به دور زمین) و تدویر (حرکت به دور مرکز

دیگری) است و تراجع را حرکت یا رجعت کوکب از حرکت معمولی خود از مشرق به مغرب معنی کرده‌اند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۱۵).

انوری در دعا برای ممدوح می‌گوید: امیدوارم وقتی که مشتری از برج میزان (برج هفتم) به خانه تیر یا عطارد که برج سنبله است (برج ششم) بازمی‌گردد، به سبب یاری بخت و بازگشت مجدد مشتری به میزان، همه کارهای تو مثل قامت تیر، راست گردد. دلیل خجسته بودن حلول مشتری در میزان این است که اوج مشتری را که سعد اکبر است، در برج میزان دانسته‌اند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۳۷).

### ۳۹- طالع میزان

اثرهای کین تو چون نحس عقرب      نظرهای لطف تو چون سعد میزان  
(انوری، ۱۳۳۷: ۳۶۰)

طالع میزان را طالع تولد پیامبران می‌دانستند و طالع تولد پیامبر اسلام را نیز بدان منسوب می‌نمودند.

### ۴۰- ماه در سرطان

ای طالع نگون من ای کژ رو حرون      ای نحس بی سعادت و ای خوف بی‌رجا  
خرچنگ آبی و خداوند تو قمر      آبی است، سوزش تن و جان از شما چرا؟  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۳۷)

خرچنگ یا سرطان، خانه فرح ماه است (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۸۴). قمر نیز دارای طبع تر و آبی است.

بدین تری که دارد دست مهتاب      نیارد ریختن بر دست من آب  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

مسعود سعد با توجه به طالع خویش، ناسازگاری روزگار با خودش را شگفت می‌داند. او طالع خود را برج سرطان معرفی می‌کند که طبعی تر دارد و خویش را چون قمر در نظر می‌گیرد که صاحب خانه سرطان است (خانه قمر، برج سرطان است). آنگاه خطاب به طالعش می‌گوید: تو طبعی تر داری و صاحب خانه تو، قمر است که او نیز طبعی تر دارد؛ و طبع این دو با هم سازگارند، پس چرا برای من بدیمن شده و موجب آزار و اذیت من می‌شود. با این اوصاف، مسعود در سرطان بودن قمر را طالعی خجسته دانسته است؛ اما برای اغراق در بدطالعی خویش و سختی روزگارش، می‌خواهد بگوید حتی طالع

نیکویی چون قمر در سرطان هم با من نمی‌سازد. مسعود در قصیده دیگری طالع ماه در خرچنگ را در برابر طالع عطارد در حوت که نحس است، قرار می‌دهد، که این نیز شاهی بر سعادت قمر در سرطان است.

گشته‌ام چون عطارد اندر حوت گرچه بودم چو ماه در خرچنگ  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۵۴۰)

#### ۴۱- نظر زهره

زهره، ستاره سعد اصغر است و نظر زهره، خوش‌یمن و شادی‌آفرین است. مجلسی، نظر زهره را در طالع پیامبر اسلام، چنین توضیح داده است که «لیل صباحت و شادی و بشاشت و حسن و طیب و جمال و بها و غنج و دلال اوست» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۶۷). در کتاب تنکلوша درباره نظر زهره آمده است:

نظر زهره زین سبب خیر است که در اوتاد طالعش سیر است  
(تنکلوша، ۱۳۸۴: ۱۶۹)

و مسعود، حکم سلطان را در صلاح دولت و دین به فعل نیکوی مشتری و نظر مبارک زهره، مانند کرده است:

اندر صلاح دولت و دین حکم نافذت برجیس فعل گردد و زهره نظر شود  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۹۷)

#### ۴۲- قران سعدین

به حقیقت قران سعدین است همه با دست تو قران قلم  
(همان: ۶۰۹)

قران سعدین، قران زهره و مشتری است و انجام هر کاری در این طالع، نیکوست (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۸۸). مشتری، سعد اکبر است و زهره، سعد اصغر و قران این دو سعد، بسیار خوب و نیکوست.

#### ۴۳- ماه در جوزا

زیرا چو مه به جوزا باشد بتا! روز نشاط باشد و لهو و بطر  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۲: ۹۶۴)

در مبارک بودن طالع قمر در جوزا، امیر خسرو دهلوی نیز گفته است:

بریست چون جوزا کمر آمد به جوزا زان قمر یعنی که این عزم سفر، بر طالع میمون بود (امیر خسرو، ۱۹۶۷: ۳۲۶)

#### ۴۴- طالع قوس

قوس، خانه مشتری است که سعد اکبر است. درباره این طالع در «روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات» آمده است که «قوس، خانه مشتری است به انواع دلایل سعادت موصوف و به اضاف آثار اقبال و دولت محفوف» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۵۸). «صاحب طالع قوس را ملک طبع، رازدار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه خورش، معجب وصف کرده‌اند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۰۶). ملک طبع بودن صاحب طالع قوس، نشانه دیگری از مبارک و خجسته بودن طالع قوس است.

نسبت عقربی است با قوسی بخل محمود و بذل فردوسی  
اسدی را که بودلف بنواخت طالع و طالعی به هم در ساخت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۲۵)

#### ۴۵- نظر کردن از تسدیس به آفتاب

شهمردان، حالات سعادت ستارگان را چنین برمی‌شمارد: «۱- سعادت چون مناظر سعدان بود. ۲- میان دو سعد اندر حصار بود صمیمی. ۳- بر مناظره شمس یا قمر بود از تثلیث یا تسدیس. ۴- چون سریع سیر بود زاید در نور و عدد. ۵- در جایگاهی بود که او را اندر آن حظی باشد. ۶- اندر درجات نیر» (شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی، ۱۳۸۲: ۹۸). نظر کردن زحل از تسدیس به آفتاب، مطابق گزینه سوم، حالت سعدی و مبارکی دارد. از همین‌رو برای زمان عقد و ازدواج انتخاب شده است.

هم بر آن طالع که با زهرا علی مرتضی وصلتی کردی به توفیق خدای مستعان  
مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب وصلتی کردی به حکم بخردان باستان  
(انوری، ۱۳۳۷: ۳۶۷)

#### ۴۶- قران عطارد و زهره

وقتی نظامی از پیوند میان خیر و دختر کرد سخن می‌گوید، همراهی آن دو دلداده را به همراهی عطارد و زهره تشبیه می‌کند. زهره، ستاره سعد است و عطارد، پذیرنده طبع ستارگان همراه. پس عطارد در همراهی با زهره، طبع سعد زهره را می‌پذیرد و

طالعی سعد پیش می‌آید. همچنین با توجه به توصیف نظامی از این پیوند، فرخندگی همراهی عطارد و زهره دیده می‌شود.

دختر خویش را سپرد به خیر      زهره را داد با عطارد سیر  
تشنه مرده، آب حیوان یافت      نور خورشید بر شکوفه بتافت  
(نظامی، هفت‌پیکر، ۱۳۸۳: ۲۶۳)

#### ۴۷- فتح باب

فتح باب، «موقع اتصال دو کوکب است که خانه‌های آنها مقابل یکدیگر باشند. مانند اتصال ماه یا آفتاب با زحل که خانه آنها مقابل خانه زحل است یا اتصال زهره با مریخ... در شعر فارسی، فتح باب بیشتر برای نزول باران و گشایش کارها به کار رفته است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۵۵۲).

نظامی در بیت زیر فتح‌الباب را برای گشایش کارها به کار برده است.  
به فتح‌الباب دولت بامدادان      ز در پیکی درآمد سخت شادان  
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۸۳: ۱۵۹)  
انوری، فتح باب را در بیت زیر، مقدمه باران دانسته است و می‌دانیم که نزول باران با توجه به ثمرات آن، مبارک است.

دست تو فتح باب بارانی است      که برآرد ز شوره مهر گیاه  
(انوری، ۱۳۳۷: ۵۶۵)  
مسعود نیز نظر فتح را سعد خوانده است.

چون هست سوی فتح ز گردون نظر سعد      پیوسته سوی تیغ تو باشد نظر فتح  
(مسعود سعد، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۳۶)

#### نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی اشعار نظامی، انوری و مسعود سعد سلمان، چهل و هفت طالع سعد نجوم احکامی را مشخص کرده و با مراجعه به آثار کهن و معتبر نجوم احکامی، علت سعد خوانده شدن آنها را توضیح دادیم. در نتیجه این پژوهش، قرائت صحیح و تفسیر دقیق و روشنی از بسیاری از ابیات شعر فارسی که در ارتباط با نجوم احکامی هستند، میسر شد. در نتیجه بررسی طالع‌های سعد نجوم احکامی در اشعار

مسعود، نظامی و انوری، مشاهده کردیم که هر ستاره‌ای در خانه خویش، در خانه فرح و در خانه شرفش قوت می‌گیرد و اگر ستاره سعد باشد، بر سعادت آن افزوده می‌شود و طالع هر ستاره‌ای در خانه شرفش، فرخنده است حتی اگر آن ستاره نحس اکبر باشد؛ مانند زحل که در برج میزان، مبارک است. همچنین اجتماع نیرین مبارک است و در اوج بودن ستاره سعد بر سعادت آن می‌افزاید. درباره طالع سرطان که مسعود سعد آن را دو پهلوی به کار برده بود و در نگاه اول به نظر می‌رسید که آن را برخلاف دیگران، طالعی نحس دانسته است نیز با ذکر نمونه‌های مختلف از اشعار دیگر شاعران و متون تاریخی، توضیح دادیم که این طالع، سعد است و مسعود، سرطان را که به معنی خرچنگ نیز هست، با آرایه استخدام به گونه‌ای به کار برده که با واژه طالع به برج سرطان اشاره می‌کند و با واژه کژرو به خرچنگ. در واقع کژروی را نه به برج سرطان که به خرچنگ نسبت داده است. درباره طالع «ماه در جدی» گفتیم که با توجه به آثار کهن نجوم احکامی، در برج جدی بودن ماه برای عامه مردم نحس، اما برای پادشاهان، مبارک دانسته شده است و نشانه پیروزی و کشورگشایی است.

## منابع

- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۶۲) التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، به تصحیح جلال همایی، تهران، بهمن.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی (۱۳۳۸) روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تهران، دانشگاه تهران.
- اکبری، محمدتقی و گروه نویسندگان (۱۳۸۶) فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- الهامی، فاطمه (۱۳۸۸) باورهای نجومی در شعر نظامی، کتاب ماه ادبیات، ۳۴ (پیاپی ۱۴۸)، ۴۲-۵۲.
- امیر خسرو، خسرو بن محمود (۱۹۶۷) دیوان امیرخسرو دهلوی، گردآوری انوار الحسن، لکهنو: راجه رام کماریکدپور وارث نولکشور بکدپو.
- انوری، اوحالدین (۱۳۳۷) دیوان اشعار، جلد اول: قصاید، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بناکتی، داوود بن محمد (۱۳۴۸) تاریخ بناکتی، به تصحیح جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی.
- تنگلوشا (۱۳۸۴) به ضمیمه مدخل منظوم از عبدالجبار خجندی، با مقدمه و تصحیح رحیم رضا ملک‌زاده، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حسینی اشکوری، صادق (۱۳۹۳) مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مشترک ایران و عراق، قم، مجمع ذخایر اسلامی.
- رازی، امین‌احمد (بی‌تا) هفت اقلیم، تصحیح و تنظیم جواد فاضل، تهران، علی‌اکبر علمی.
- شهمردان ابن ابی‌الخیر رازی (۱۳۸۲) روضه‌المنجمین، به تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳) شرح مثنوی، تهران، علمی و فرهنگی.
- صرفی، محمدرضا و افاضل، راضیه (۱۳۸۹) «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجوی کرمانی»، کهن‌نامه ادب فارسی، سال اول، شماره ۲ (پیاپی ۲)، صص ۵۳-۷۶.
- علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۹۱۳) اکبرنامه، لکنه‌و، منشی نولکشور.
- غلامی، زهرا (۱۳۹۹) «سعد و نحس ایام در باورها و امثال و حکم بیرجند»، دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال هشتم، شماره ۳۲، خرداد و تیر، صص ۴۳-۶۱.
- فشنگ‌ساز، نیلوفر (۱۳۹۱) اساطیر یونان و صور فلکی، تهران، سبزان.
- مدرسی گیلانی، مرتضی (بی‌تا) اختیارات نجومی، بی‌جا، بی‌نا.
- مروزی بخاری، محمدبن مسعود (بی‌تا) کفایه‌التعلیم فی صناعه التنجیم، بی‌جا، بی‌نا.

مسعود سعد سلمان (۱۴۰۰) دیوان اشعار، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد مهیار، تهران، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی.

مسعودی (۱۳۶۵) التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.  
مصطفی، ابوالفضل (۱۳۵۷) فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

معصومی همدانی، حسین (۱۳۶۵ و ۱۳۶۶) «فخر رازی و مسئله حرکت وضعی زمین»، تحقیقات اسلامی، سال اول شماره ۲ و سال دوم شماره ۱، صص ۹۶-۱۰۹.

نبئی، ابوالفضل (۱۳۶۶) تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، مشهد، آستان قدس رضوی.  
نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۳) کلیات نظامی، به تصحیح و شرح وحید دستگردی، تهران، طلایه.

